

پژوهشی تحلیلی بر جلوه‌های آیات قرآنی بر آثار فلزکاری ایران در دوران صفوی و قاجار «با استناد به آثار فلزی موزه ملی ایران»

مجید ساریخانی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهرکرد
sarikhanimajid@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۶/۳۰، تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۲۰
(از ص ۱۵۵ تا ۱۶۸)

چکیده

هنر اسلامی در قالب و محتوای متنوعی در هنر فلزکاری ایران دیده می‌شود. یکی از آن‌ها، کتیبه‌های قرآنی با خطوط متنوع: کوفی، ثلث، نسخ و ... است که زیبایی بصری همراه با فضای روحانی و عرفانی‌اش حاوی پیام‌های ارزش‌مندی برای صاحب اثر و بازدیدکنندگان آن در اعصار مختلف است. نمونه‌های فلزی مورد مطالعه‌ی این پژوهش، مستندات گنجینه اسلامی موزه ملی ایران مزین به کتیبه‌های قرآنی است. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی همراه با بازدید از موزه ملی ایران و هدف پژوهش: تطبیق، تبیین و تفسیر مضامین کتیبه‌های قرآنی متناسب با کاربری آثار فلزی صفویه و قاجار است. سوال پژوهش آن است که کتیبه‌های قرآنی از نظر مضمون و محتوا چه ارتباطی با آثار فلزی دارند؟ پیش‌فرض نشان می‌دهد که مضمون و محتوای آیات قرآنی با کارکرد آثار فلزی متناسب است و از نتایج پژوهش استنباط می‌شود که آیات قرآنی کم‌تر بر آثار هنری (نسبت به دیگر کتیبه‌ها) دیده شده و علت آن می‌تواند مساله تقدس و ممنوعیتی باشد که در مورد هر گونه لمس آیات قرآن بدون وضو نهفته باشد؛ به‌خصوص در مورد آثاری که کاربرد فراوانی در زندگی روزمره مردم دارد بیشتر مصداق پیدا می‌کند و آثار فلزی از نظر گونه‌شناسی متنوع و شامل: جعبه قرآن، شمشیر، جام چهل کلید و ... است و هر کدام از گونه‌ها مزین به کتیبه‌های قرآنی هستند که با کاربری آن‌ها تناسب دارد و این بیان کننده آن می‌باشد، هنرمند با قرآن است چرا که با عشق و با نهایت تواضع توانسته است که آثار زیبایی به منصفه ظهور برساند.

کلیدواژگان: کتیبه، فلز، آیات قرآنی، هنر اسلامی، صفوی، قاجار.

مقدمه

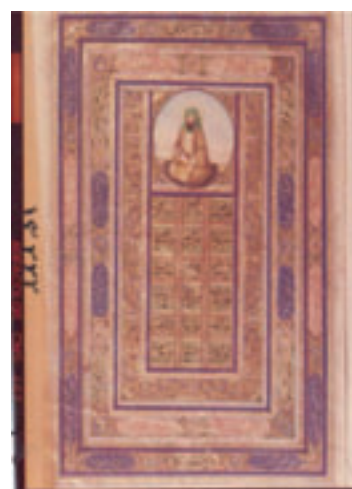
هنر هر ملتی بر پایه و بنیادهای اندیشه، آیین، دین و خرد او استوار است، پس ظرف آن اندیشه، آیین و دین می‌گردد و همه‌ی عناصر ترکیب‌گر آن هنر، مفاهیم ویژه‌ی برگرفته شده از آن اندیشه و آیین را در خود مجتمع می‌سازد (آیت‌اللهی، ۱۳۸۳: ۲۳۰)؛ بنابراین، هنر از آغاز پیدایش در خدمت آیین‌ها و ادیان بوده و توانسته نقش مهمی را در تحول دین‌های جهانی داشته باشد. «هنر با دیداری کردن تجربه‌ها، قصه‌ها و آرزوها، معنای انسان بودن را به تصویرهایی قابل مشاهده ترجمه می‌کند، در حالی که دین در مقام الهامی معنوی، برای خلاقیت و فرهنگ بشری، انسانیت و الوهیت را از طریق آیین و اسطوره به هم می‌پیوندد» (آپوستولوس و کاپادونا، ۱۳۸۳: ۱۰۰). هنر به چند دلیل دینی است و با دین ارتباط تنگاتنگ دارد؛ یک عامل تعیین کننده‌ی مهم، کارکرد هنر است مانند: جام‌ها، شمعدان‌ها، کتاب مقدس قرآن، جعبه قرآن و ... عامل دیگر به دلیل محل یا جایی که قرار می‌گیرد، دینی محسوب می‌شود، مانند: قندیل‌های شیشه‌ای یا فلزی (همان: ۱۰۱) یا ممکن است موضوع و یا شمایل‌نگاری آن، دینی باشد که در این مورد احتمال دارد، تصویر به شخصی یا رخدادی مقدس اشاره کند. هنرمند و معنویت او نیز در دینی بودن هنر، نقش دارد مانند: هنرمندان مسلمان ایرانی و آثار هنری‌شان. در برخی از آثار هنری منتسب به اسلام وجه یا وجوهی از حقیقت و اسماء الهی نیز تجلی یافته است، مانند: حلیه‌ای^۱ از دوره‌ی قاجار در موزه ملی ایران (تصویر: ۱).

با ورود اسلام، هنر ایران شاهد برخورد و تلاقی: اندیشه، تفکر، دیانت و شریعت اسلامی با انواع تزیینات آثار هنری (کتیبه‌نگاری، نقش‌مایه‌ها و ...) است و مهم‌ترین منبع موثر بر تولید آثار هنری، قرآن می‌باشد. قرآن تأثیر گذارترین منبع هنری در تاریخ هنر اسلامی به‌خصوص در قلمروهایی نظیر کتاب‌آرایی (خط، تذهیب و تجلید) نگارگری، فلزکاری و ... بوده و هست. خلق مجموعه‌ای چنین عظیم و بی‌نظیر نشان از حضور تمدن پر بار اسلام در عرصه فرهنگ و هنر ایران و جهان دارد. برخی از انواع هنر اسلامی منحصرأ در باب علوم قرآنی بوده است و پاره‌ای دیگر نیز مستقیم و غیرمستقیم از شگفتی این کتاب سترگ تأثیر پذیرفته‌اند و می‌توان این عبارت را به کار برد که قرآن "قلب هنر اسلامی" است و ماهیتی برهانی و عرفانی دارد. نکته اساسی در هنر اسلامی «بینش توحیدی است و اولین آثار این تلقی، تفکر تزیینی و توجه عمیق به مراتب تجلیات است که آن‌را از دیگر هنرهای دینی متمایز می‌سازد» (اکبری، ۱۳۸۲: ۲). آن‌چه در این پژوهش مورد مذاقه واقع شده بررسی آیات قرآنی بر آثار فلزی دوران صفویه و قاجاریه با توجه به: موضوع، سوال، فرضیه و هدف پژوهش مطروحه زیر است.

هدف پژوهش: تفسیر و تبیین کتیبه‌های قرآنی اشیاء فلزی دوران صفوی و قاجار گنجینه اسلامی موزه ملی ایران است.

سوال پژوهش: کتیبه‌های قرآنی از نظر مضمون و محتوا چه ارتباطی با آثار فلزی دارند؟

پیش فرض تحقیق: مضمون و محتوای آیات قرآنی با کارکرد آثار فلزی متناسب است.



تصویر ۱: حلیه‌ای از دوره قاجار، شماره موزه ۴۹۸۲، رقم صنایع‌الملک غفاری.

۱. واژه «حلیه» به جملاتی گفته می‌شود که در «توصیف پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص)، آمده باشد» (صفوت، ۱۳۷۹: ۴۶).

پیشینه تاریخی فلزکاری در ایران

از زمانی که انسان فلز را شناخت و یا به عبارتی کشف کرد، با خواص آن آشنا شد و اهمیت آن را در ساختن ظروف و اشیای ضروری نظیر: ابزار و ادوات جنگ، کاسه، ابریق و سپس سکه و دیگر وسایل دریافت. شایان ذکر است که ابزار فلزی، یکی از مقاوم‌ترین ابزارهای دست‌ساز انسان بوده است، به نحوی که توانسته است «برای انسان نقش "کمک حافظه" و "ذخیره سازی اطلاعات" را ایفا نماید» (ویلسون، ۱۳۶۶: ۷۸) و نحوه ذخیره‌سازی اطلاعات در به‌کار بردن کتیبه بر آن‌ها بوده است. سابقه کتیبه‌نگاری فلز در ایران به قبل از اسلام می‌رسد و کتیبه‌های مفرغ‌های لرستان و فلزهای ایلامی، هخامنشی، اشکانی و ساسانی شواهدی بر این امر هستند؛ اما ورود اسلام به ایران، هنر فلزکاری را وارد مرحله نوینی از تکامل خود کرد و این پویایی و تکامل را می‌توان در افکار هنرمندان و تجلیات افکار آن‌ها دید چرا که متأثر از حالت عرفانی و روحانی دین اسلام شده‌اند و یکی از این عناصر، زبان و خط قرآنی است که لطافت خاصی را به آثار هنری ایران بخشیده است و باعث شده هنرمندان ایرانی عالی‌ترین حد زیبایی را برای هنر فلزکاری، با زبان و خط قرآنی و با خطوط زیبا و دل‌نوازی چون: کوفی (تصویر: ۲)، نسخ، ثلث و نستعلیق به منصفه ظهور برسانند و با مهارت زیاد و ظرافت بی‌بدیل، خطوط عربی را بر روی فلز حکاکی کنند (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۶۹). فلزکاری ایران در قرون اولیه اسلامی و در ادامه تا سده پنجم هـ.ق. تحت تاثیر فلزکاری ساسانی در مراکز شمال شرقی ایران، روی به کسب شهرت نهاد و به روند رشد خود ادامه داد (آلن، ۱۳۷۴: ۱۷۱) و در کتاب البلدان آمده که در این دوره خراسان، طبرستان و فارس از مراکز ساخت اشیاء فلزی بوده‌اند (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۶).



تصویر ۲: جای دعا، نیشابور، کتیبه‌دار: سوره‌ی توحید، شماره موزه ۳۹۲۶.

در دوران آل‌بویه نوعی جهت‌گیری اسلامی در هنر ایران شکل گرفت، به نحوی که هنرمندان جهان اسلام را متأثر از عناصر هنری خود کرد (گراپر و اتینگهاوزن، ۱۳۸۷: ۳۰۹). فلزکاری ایران در دوره سلجوقی به اوج رونقش رسید و نقره‌کوب و طلاکوب از تکنیک‌های تزئینی رایج در هنر فلزکاری ایران شد. فلزکاری ایران بعد از حملات ویرانگرانه‌ی مغولان دچار یک وقفه شد و هنرمندان فلزکار شمال شرقی ایران، به نواحی غربی‌تر به خصوص شهرهای: همدان، تبریز، موصل و بغداد پناه بردند و باعث ایجاد سبک نوینی به نام فلزکاری ایلخانی شدند (احسانی، ۱۳۶۸: ۸۶)؛ در شکل‌گیری فلزکاری دوره ایلخانی علاوه‌بر سبک‌های ایرانی (خراسانی) و

بین‌النهرینی، فلزکاری شرق دور نیز موثر واقع شده است (رابینسن، ۱۳۷۶: ۲۹). از فنون رایج در فلزکاری دوره ایلخانی ترصیح‌کاری فلزات با مس می‌باشد. بهترین ابزاری که با این تکنیک ساخته شد اسطرلاب بود (وولف، ۱۳۷۲: ۱۸) که یک نمونه‌ی آن با شماره موزه ۸۵۳۸ موزه ملی ایران را مزین کرده است. با تشکیل سلسله تیموریان در اواخر قرن ۸ و اوایل قرن ۹ هـ.ق. سمرقند، پایتخت تیموریان، از بزرگ‌ترین مراکز تجمع هنرمندان شد. هنر فلزکاری این دوره در اصل ادامه سنت‌های گذشته بوده که به تدریج در شکل و به‌ویژه تزئینات آن تغییراتی ایجاد شد. خط ثلث و نسخ از رایج‌ترین خطوط دوره ایلخانی و تیموری است (فراست، ۱۳۸۴: ۷۵). دوران صفویه و قاجار از مهم‌ترین دوره‌های فلزکاری ایران بعد از دوران‌های مذکور است و به کار بردن فولاد در ساخت آثار هنری از دوره صفوی در هنر فلزکاری ایران دیده شده (دیماند، ۱۳۸۳: ۱۵۳) و در دوره قاجاریه به‌خصوص تکنیک تزئینی فولاد طلاکوب به اوج پیشرفت خود رسیده است. دو دوره اخیر موضوع این پژوهش را با هدف، سوال و فرضیه مطروحه تشکیل داده است.

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی و تحلیلی همراه با بازدید از آثار هنری گنجینه اسلامی موزه ملی ایران است. بدین منظور ابتدا آثار فلزی دارای کتیبه گنجینه‌ی اسلامی شناسایی و سپس عکس‌برداری شد و تلاش گردید تا از میان آن‌ها آثار دارای کتیبه‌های قرآنی مشخص گردد، به نحوی که شناسایی آن‌ها بیان‌گر داده‌های پژوهش حاضر شده‌اند.

بحث و تحلیل یافته‌ها

تشکیل دولت صفوی در اوایل قرن ۱۰ هـ.ق. نقطه عطفی در تاریخ ایران به‌شمار می‌رود و نقش قابل توجهی در تحولات ایران و منطقه در تمامی ابعاد: سیاسی، مذهبی، اقتصادی، فرهنگی و هنری ایفا کرد، چرا که شاه اسماعیل صفوی با اعلام مذهب رسمی تشیع اثنی‌عشری، تحول نوینی در فرهنگ و هنر ایران در این دوره و حتی دوره‌های بعد؛ به‌خصوص، قاجاریه ایجاد کرد به نحوی که کتیبه‌نگاری آثار هنری ایران در این دو دوره به‌خوبی این تغییر و تحولات را نشان می‌دهند؛ بنابراین، فلزکاران در این دو دوره از دو اصل مهم تشیع و ملی‌گرایی بر خلق آثار هنری الهام گرفتند و این اصول در کارهای هنریشان به منصف ظهور رسیده است و سعی کرده‌اند جنبه ملی‌گرایی را با به کار بردن زبان فارسی و به خط نستعلیق برای کتابت و خوشنویسی استفاده کنند و جنبه تشیع را در قالب شعر و مضامین تاریخی و ذکر و کتابت نام دوازده امام معصوم (همان: ۶۴-۶۲) نشان دهند. ناگفته نماند آثار فلزی دوره ی صفوی، برخلاف ظروف فلزی اولیه (دوره‌های قبل از صفویه) که با نام سازنده و محل ساخت کتیبه‌نویسی گردیده‌اند، با اشعار فارسی و نام مالکشان کتیبه‌نویسی شده‌اند (بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۲۰۷). هم‌چنین در این دوره فلزکاران در کارگاه‌های خود بیشتر با مفرغ، مس و برنج سر و کار داشتند؛ ولی اشیاء و زینت‌آلات فولادین بیشتر مورد توجه و پسند افراد جامعه (احسانی، ۱۳۸۲: ۱۹۷)؛ به‌خصوص در دوره قاجاریه بوده است، چرا که شاه‌کار هنری هنرمندان این دوره، ابزارهای

فولادینی است که نمونه‌های بسیار زیبایی از آن‌ها زینت بخش گنجینه اسلامی موزه ملی ایران شده است؛ اما تعداد محدودی از آن‌ها دارای کتیبه‌های قرآنی هستند؛ استنادهای این پژوهش همین داده‌هاست. این نمونه‌ها حکایت از غنای هنر فلزکاری دوره قاجار دارند به نحوی که هنوز زیبایی هنر ایرانی-اسلامی را در تجلی عناصر مذهبی و شیعی در قالب کتیبه‌نگاری حفظ کرده‌اند.

کتیبه‌نگاری آثار فلزی دوران صفوی و قاجار

اکثر اشیاء فلزی دارای تزئین هستند و یکی از تزئینات رایج بر آن‌ها، کتیبه است. این کتیبه‌ها «از مهم‌ترین اجزاء ثبت تاریخی در کنار نسخه‌های خطی بوده‌اند» (افروغ و نوروزی‌طلب، ۱۳۸۹: ۸۹) و اغلب از لحاظ مضامین و محتوا اطلاعات ارزش‌مندی را به‌خصوص، متناسب با کاربری اثر، درباره حامیان، سازندگان و تاریخ آن‌ها ارائه می‌دهند (بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۵۱) به‌همین منظور یکی از راه‌های شناخت قدمت آثار فلزی در کنار نوع استفاده از عناصر تزئینی و نقوش، توجه به کتیبه‌ها و مضمون متن آن‌هاست؛ زیرا جدای از زیبایی کتیبه‌ها، مضامین آن‌ها از یک‌طرف دربرگیرنده معانی و مفاهیمی هستند که انعکاس‌دهنده شرایط اجتماعی، مذهبی و فرهنگی زمان نگارش آن‌ها و از طرفی دیگر نمایان‌گر خلاقیت‌های هنرمندان مسلمان و ظهور خلوص معنوی آن‌ها می‌باشد. یکی از دلایل اهمیت کتیبه‌نگاری بر آثار فلزی و کتابت بر آن‌ها را می‌توان در سفارش اولیاء دین در استفاده از خط نیکو و برشمردن حسنات آن دانست. بیشتر کتیبه‌ها در اوایل اسلام به پیروی از کتاب مقدس قرآن به زبان عربی و به خط کوفی بود که در قرون میانی خط نسخ و ثلث به آن اضافه شد و از دوره صفویه به بعد، گذشته از تاثیر فرهنگ اسلامی (به‌صورت زبان و خط قرآنی)، فرهنگ ایرانی (خط فارسی به‌خصوص نستعلیق) نیز در خط نگاره‌های آثار فلزی تاثیر خود را نشان داده‌اند و بدین ترتیب به‌جز مضامین مذهبی (نظیر آیات قرآنی، احادیث و روایات اسلامی)، اشعار و ضرب‌المثل‌های فارسی و عبارات ملی نیز مشاهده می‌شود. کتیبه‌هایی که آثار فلزی دوره صفوی را با مضمون تشیع مزین کرده است در سه گروه مورد مطالعه واقع شده‌اند: ۱. دعا‌های استعانت از پروردگار به حق نام‌های دوازده امام یا غالباً چهارده معصوم، ۲. ذکر نام علی (ع)، ۳. اشعاری در ستایش حضرت علی (ع)، (ملیکیان شیروانی، ۱۳۸۵: ۲۸۱). شایان ذکر است که تعداد آثار فلزی مزین به کتیبه‌نگاری آیات قرآنی محدود است، یکی از دلایل آن تقدس آیات قرآن و ممنوعیت در لمس آیات بدون وضو می‌باشد و دیگر در کاربری خاص آثار جهت انجام مقاصد دینی و مذهبی معین بوده که هنرمند فلزکار ایرانی به تناسب و در مواقع خاص از آن‌ها بهره‌جسته است. شایان ذکر است که جامعه هنرمندان ایرانی در دوران صفویه و قاجاریه در کتیبه‌نگاری آثار هنری؛ به‌خصوص فلزکاری، علاوه بر موضوع‌های قرآنی، ادعیه و احادیث نیز به وفور به‌کار برده‌اند.

در مورد فلزکاری دوره صفویه باید عنوان کرد که هنر قلمزنی با هنر خطاطی و خوشنویسی آمیخته شده و آمیزه‌ای از هنرهای تزئینی و کاربردی ماندگاری را برجای گذاشته‌اند (ویلسون، ۱۳۶۶: ۷۸) و از این دوره به بعد بوده است که علاوه بر خطوط دوره‌های قبلی نظیر: کوفی، نسخ و ثلث، خط خوش و زیبای نستعلیق نیز بر آثار

هنری دیده شده است و همچنین کتابت آیات قرآنی و اسامی ۱۲ یا ۱۴ معصوم در این دوران رایج شد و ناگفته نماند آن قدر که صفویان از آیات قرآنی و ذکر ائمه در آثار هنری خود به کار برده‌اند، در هیچ دوره‌ی دیگری به این گستردگی دیده نشده است و بعد از دوره صفویه، دوره قاجاری بیشترین سهم را در این زمینه دارد و از مهم‌ترین دلایل آن، در انس و الفت رهبران جامعه ایرانی و بالطبع هنرمندان ایرانی با قرآن و همچنین در ارادت خاص آن‌ها به ائمه اطهار نهفته است. شایان ذکر است که کتیبه‌نگاری آثار فلزی دارای محدودیت فضایی برای تزیین بوده است، به همین دلیل هنرمندان ایرانی نتوانسته‌اند آن طور که شایسته و بایسته است، آیه‌های قرآنی را به‌طور کامل زینت بخش آثار هنری خود کنند و این فضای محدود باعث شده است، تنها به بخشی از آیه اکتفا نمایند (شریعت، ۱۳۸۷: ۵۳).

کتیبه‌های قرآنی آثار دوران صفویه و قاجاری گنجینه اسلامی موزه ملی ایران از نظر مضمون و محتوا در گروه‌های زیر قابل بحث و فحص هستند.

گروه اول: آثاری که جنبه شفابخشی و رفع بلا یا و ... دارند، مانند جام چهل کلید (چهل بسم الله) که سراسر مزین به آیات قرآنی و ذکر ائمه معصومین است به‌خصوص قسمت اندرونی آن. جام چهل کلید (چهل بسم الله) قبل از صفویه وجود نداشته و در این دوره برای فال گرفتن و طالع‌بینی مورد استفاده قرار گرفته است (شریعت، ۱۳۸۷: ۵۱). جام برنجی چهل کلید با شماره موزه ۸۵۴۰ به سال ۱۶۳۰ م. / ۱۰۴۰ هـ. ق. در خراسان ساخته شده و ارتفاع آن ۴/۲ و قطر دهانه‌اش ۱۲/۸ سانتی‌متر است (تصاویر: ۳). تمام سطح داخلی و خارجی ظرف مملو از کتیبه‌هایی است که به خط نستعلیق و ثلث سوره‌های: فاتحه، اخلاص، کافرون، فلق، الناس، نصر، آیه‌الکرسی (۲۵۵-۲۵۷ سوره بقره)، دعا و صلوات بر ائمه دیده می‌شود. روی لبه‌ی ظرف که سطح کمی دارد سوره‌ی حمد کتابت شده و در ادامه‌ی آن «آیه‌الکرسی» کتیبه‌نگاری شده که به علت کمبود فضا ادامه‌ی آن در سطح درونی ظرف آمده است. در نمای بیرونی ظرف، فضاهای دایره‌ای شکل دیده می‌شود که جلوه‌ی بیشتری نسبت به سایر تزیینات ظرف داشته است. درون این فضاها مزین به تصاویر و نمادهای انسانی و حیوانی و حتی اسفنجس شده است که احتمالاً این تصاویر مفاهیم نجومی دارند. کتیبه‌های نمای بیرونی ظرف بیان‌کننده اسامی دوازده امام است که به‌صورت دوتایی در فضاهای بیضی شکل به خط ثلث کتابت شده‌اند. تمامی تزیینات و کتیبه‌های این ظرف به‌صورت قلم‌زنی اجرا شده‌اند. بر لبه‌ی باریک جام، سوراخ‌های ریزی وجود داشته که چهل قطعه‌ی کوچک و باریک مستطیل شکل برنجی که جمله‌ی: "بسم الله الرحمن الرحیم" بر هر یک از آن‌ها حکاکی شده در بندی به‌صورت کلاف با یک سوراخ قرار می‌گرفته است، در لبه سطح خارجی جام، نام چهارده معصوم (ع) به خط ثلث با هشت کتیبه‌ی مجزا از یک‌دیگر نقش بسته است که هشت دایره کوچک مزین به خطوط اسلیمی، این کتیبه‌ها را از هم جدا ساخته است. سطح خارجی ظرف با اعداد و حروف سحرآمیز و طلسم‌هایی که طالع‌بینان به اسرار آن آگاهی داشتند، پوشیده شده است و میان هشت کتیبه‌ی مستطیل شکل که در بین هشت دایره ترسیم شده دعای "نادعلی" به خط نستعلیق نقش بسته است بر سطح هشت دایره‌ی بزرگ‌تر که بر جدار خارجی جام نقش شده سوره‌های: فلق، اخلاص، کافرون، و بقره با خط

نسخ‌کننده کاری شده و با شعارهای تشییع به صورت زیبا قلم‌زنی گردیده است. از چهل کلید برای: رفع خطر، دفع شر و بیماری‌ها، و رسمی به نام چله‌بری استفاده می‌شده است (رنجبر و ستوده، ۱۳۹۰: ۱۰۳). این کاسه به طاس نیز معروف است و طبق اعتقادات مردم در ادوار گذشته و حال حاضر جنبه شفابخشی آن مطرح بوده است و نوشیدن آب و ریختن آب از جام چهل کلید بر سر، به خاطر جنبه‌ی پاک‌ی و قداستی که داشتند، طبق اعتقادات رایج، بلایا را رفع کرده و شیاطین و شرها را از انسان دور نگه می‌داشته است.



تصاویر ۳: جام چهل کلید،
شماره موزه ۸۵۴۰.

گروه دوم: آثاری هستند که به علم نجوم مرتبط هستند مانند اسطرلاب‌ها؛ آیات قرآنی و اشعار فارسی قلم‌زنی شده بر روی این‌گونه آثار با کاربری آن ارتباط مستقیم دارد و در این گروه می‌توان به مفاهیم نجومی منقوش بر جام چهل کلید نیز اشاره داشت. اسطرلاب، یکی از آثار دوره ی صفوی است که به آیات قرآنی مزین شده است. شایان ذکر است که از دوره‌های قدیمی‌تر؛ یعنی، سلجوقیان دو اسطرلاب در موزه ملی ایران به شماره های ۸۴۵۸ (با تاریخ ۵۵۸ هـ.ق. سازنده آن محمدبن الحامد الاصفهانی است. وزن آن ۱/۱۰۹ کیلوگرم و قطرش ۱۶ س.م. و ارتفاع آن ۲۴ س.م. می‌باشد) و دیگری شماره موزه ۹۸۲۵ با تاریخ ۵۳۵ هـ.ق. وجود دارد؛ و

یک نمونه هم مربوط به دوره ی ایلخانی (شماره موزه ۸۵۳۸) است؛ اما کتیبه‌های آن‌ها دارای آیات قرآنی نیست. لازم به ذکر است که در دوره سلجوقیان بسیاری از اخترشناسان به کار رصد مشغول بودند و سلطان ملکشاه از حامیان این علم بود و دستور داد تقویم جدیدی تدوین کنند. در این دوره منجمین بزرگی چون خیام نیشابوری مامور تدوین چنین تقویمی بود. ملکشاه و سلطان سنجر علاقه وافری به نجوم و احداث رصدخانه داشتند (بویل، ۱۳۶۶: ۶۳۳). در این دوره کتاب‌هایی در این زمینه به چاپ رسید که به‌عنوان نمونه می‌توان به کتاب: «جوامع علم النجوم احمدبن محمد الفرغانی» اشاره داشت (فرای، ۱۳۵۸: ۱۷۹). به‌طور کلی در دوران اسلامی بذل توجه زیادی به علم نجوم داشته است و این نشات گرفته از مضامین و مفاهیم آیاتی از کتاب مقدس مسلمانان، قرآن، نظیر آیه ۱۹ سوره روم، آیه ۵ سوره زمر، آیه ۱۰ سوره لقمان، آیه ۱۶ سوره حجر و ... بوده است.

دو اسطرلاب از دوره صفوی با کتیبه‌نگاری آیات قرآنی، زینت بخش گنجینه اسلامی موزه ملی ایران شده است؛ یکی اسطرلاب با شماره موزه ۴۱۸۸ است (تصاویر: ۴)؛ در یک‌طرف این اسطرلاب آیات قرآن به خط نستعلیق و طرف دیگر با نقوش اسلیمی و گیاهی تزیین شده است.

بر بالای صفحه اسطرلاب، ترنجی قرار دارد که یک‌طرف آن آیه ۵۹ سوره الانعام: "و عنده مفاتح الغیب و .." به خط نستعلیق و در طرف دیگر با نقوش اسلیمی و گیاهی مزین شده و در راس آن دو حلقه درون هم قرار گرفته است. در پشت این اسطرلاب آیه ۶ سوره ق (افلّم ینظرو الی السماء ...) و چند مصرع شعر به شرح زیر آمده است:

"چپست این سقف بلند ساده بسیار نقش زین معما هیچ دانا در جهان آگاه نیست" و "غرض نقشی است کز ما باز ماند"، صغه محمدمقیم یزیدی فی سنه ۱۰۵۲ بصفاهان.

«و قد کان راقم حروف و کتابه و نقاش ذلک کلمه العبد الفقیر محمد المهدی یزیدی».

مضمون کتیبه‌های فوق‌الذکر حاوی محتواهایی بدین شرح است: ۱. آیات قرآنی متناسب با کاربری اثر، ۲. نام سازنده، ۳. تاریخ ساخت، ۴. محل ساخت، ۵. نقاش و راقم حروف، ۶. چند مصرع شعر در ارتباط با اسطرلاب.

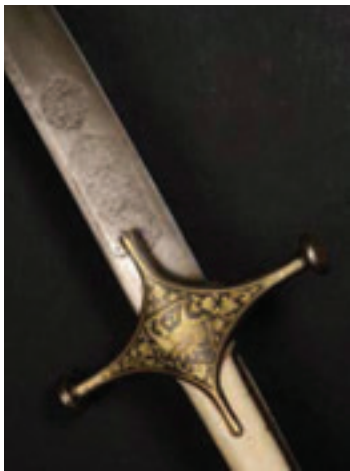
دومین اسطرلاب دارای شماره موزه ۴۱۸۷ و جنس آن از برنج است. در راس آن ترنج ساده‌ای وجود دارد که درون آن با با طرح اسلیمی با تکنیک مشبک‌کاری مزین شده است. در سطح اسطرلاب جداول، نام صور فلکی، جهات چهارگانه و اصطلاحات نجومی در میان تزیینات اسلیمی و گیاهی کتیبه‌نگاری و در پشت این اسطرلاب درون یک ترنج، نام سازنده و تاریخ ساخت حکاکی شده و نام سازنده "خلیل‌بن حسین محمدعلی" و "تاریخ ۱۱۰۶ هـ.ق." آمده است. از دیگر کتیبه‌های این اثر شامل قسمتی از آیه ۲۵۵ سوره‌ی بقره "الله لا اله الا هو الحی و ..."، صلوات بر چهارده معصوم (در قسمت ضخامت لبه‌ی اسطرلاب)، دعای نادعلی (در روی اسطرلاب حکاکی شده) و یک بیت شعر با مضمون:

غرض نقشی است کز ما بازماند که هستی را نمی بینم بقایی (سعدی)
آیه ۵۹ سوره انعام و آیه ۶ سوره ق: این آیات بر اسطرلاب‌ها دیده شده است،



تصاویر ۴: اسطرلاب، قطر ۱۹ سانتی‌متر، شماره موزه ۴۱۸۸.

آیه ۵۹ انعام از نظر محتوا و مفهوم بیان‌گر آن است که خدای متعال از غیب خبر دارد و گنجینه‌های غیب نزد اوست و به هر چیز که در خشکی و دریاست آگاه است از شب و روز آگاه است و ... موارد ذکر شده در این آیه با کاربری اسطرلاب ارتباط مستقیم دارد؛ یعنی این که هنرمند مسلط بر علوم قرآنی بوده و با جستجو در آیات قرآن کریم سعی در استفاده از بهترین آیاتی کرده که با آن بتواند کاربری اثر هنری‌اش را به عموم مردم انتقال دهد و ضمن این که به عظمت خداوند متعال اعتراف می‌کند به صورت غیرمستقیم به کاربری اثر نیز اشاره کرده و در پایین این اسطرلاب آیه ۶ سوره ق (افلح ینظرو الی السماء ...) و چند مصرع شعر آمده است که همگی با کاربری اثر ارتباط تنگاتنگ دارند.



گروه سوم: ابزار نظامی است؛ آیات قرآنی این گروه از آثار در ارتباط با جنگ و پیروزی و استعانت از خداوند متعال جهت فتح می‌باشد. در این پژوهش به یک شمشیر با شماره موزه ۲۳۷۴۰ استناد شده است (تصاویر: ۵). تیغه شمشیر فولادی و دارای تزیینات؛ به خصوص، کتیبه‌های طلاکوب می‌باشد. طول این شمشیر ۹۸ سانتی‌متر و قدمت آن به قرن ۱۱ هـ.ق. می‌رسد. در انتهای تیغه نزدیک غلاف، سه ترنج کنده و داخل آن با کتیبه‌هایی به خط ثلث و نسخ در دو طرف تیغه مزین شده است. کتیبه در کنار لبه شمشیر آمده است، «فرزند خورشید ذوالفقار است». داخل ترنج‌های کنده شده در پشت و روی تیغه این کتیبه‌ها آمده است: «لافتی الا علی؛ لا سیف الا ذوالفقار»، آیه ۱ سوره فتح «انا فتحنا لک فتحا مبینا»، ادعیه که در لابلای آن آیات قرآنی آمده است و آن عبارت است از آیه ۳ و ۴ سوره توحید، عبارت «انک علی کل شیء قدیر» که در آیه ۸ سوره التحریم و آیه ۲۹ سوره آل عمران نیز تکرار شده است.



آیه ۱ سوره‌ی فتح، آیات ۳ و ۴ سوره‌ی توحید، آیه ۸ سوره‌ی تحریم و آیه ۲۹ سوره‌ی آل عمران بر آثار فلزی کتیبه‌نگاری شده است، به‌طور کلی این آیات و آیاتی که بیان‌گر درخواست و طلب گشایش و پیروزی از خداوند دارد یا نوید بخش پیروزی حق است (مانند آیه‌های اشاره شده)، در ساخت و تزیین ادوات جنگی و مکان‌ها و آثاری که موضع حق دارند کاربرد بسیار داشته است.

تصاویر ۵: شمشیر فولادی خط ثلث و نسخ قرن ۱۱ هـ.ق. طول: ۹۸ س.م. شماره موزه: ۲۳۷۴۰.

گروه چهارم: آثاری هستند که جنبه حفاظت بخشی از آثار دیگر را دارند، مانند جعبه قرآن، قاب آینه و جای دعا؛ کتیبه‌های قرآنی مزین کننده این گروه از آثار با عمل کرد حفاظت بخشی آن‌ها عجین شده و کاربری آن‌ها را دوچندان کرده است. جعبه فولادی طلاکوب یکی از آثار رایج در دوره ی قاجار است که چهار نمونه آن در گنجینه اسلامی موزه ملی ایران با شماره موزه‌های: ۴۳۵۸، ۴۳۵۷، ۲۳۷۵۸ و ۲۳۷۶۸ نگهداری می‌شود؛ اما به دلیل مشابهت‌های آن‌ها به ذکر یکی از آن‌ها با شماره موزه ۴۳۵۷ اکتفا شده است. سطح این جعبه قرآن با نقوش اسلیمی درشت و حاشیه‌ای از نقوش گیاهی و اسلیمی زرین و آیات قرآنی شامل آیات ۲۵۵-۲۵۷ سوره‌ی البقره به خط ثلث و آیه ۱ سوره الفتح تزئین و همچنین دورتادور درپوش جعبه «السلطان بن السلطان فتحعلیشاه صاحبقران» دو بار تکرار گردیده است. بدنه آن علاوه‌بر نقوش تزئینی دارای کتیبه‌ای به خط نستعلیق در داخل بازوبندی‌هایی^۱ به شرح ذیل است: «یا قاضی الحاجات، نصر من الله و فتح القریب، یا کافی المهمات، یا فاترات الجنتی انا جنان، یا قاضی الحاجات، انا فتحنا لک فتحا مبینا» (تصاویر: ۶).



تصاویر ۶: جعبه قرآن فولادی طلاکوب، شماره موزه ۴۳۵۷، طول ۲۹/۵، عرض ۲۲ و ارتفاع ۹ سانتی‌متر.



آیه‌الکرسی (۲۵۵ بقره و دو آیه بعد از آن): استفاده از این آیات در بسیاری از آثار هنری ایران در ادوار مختلف اسلامی؛ به‌خصوص، دوره‌های صفوی و قاجار مشاهده شده است؛ حتی هنرمندان مسلمان با ظرافت خاصی این آیات مبارک را بر روی ظروف مسی و سفالی حک کرده‌اند، شاید به این دلیل که بتوانند از تبرک و قداست نهفته در کلمات الهی آن در- لحظه‌لحظه - زندگی روزمره خود بهره ببرند. این آیات در بیان قدرت‌مندی خداوند بر آسمان‌ها و زمین و علم بی‌منت‌هایش بر خلق و ارزش‌مندی ایمان خالص و پاک نازل شده است (الهی‌قمشه‌ای، ۱۳۶۳: ۴۱-۴۲). از دلایل رواج این کتیبه می‌توان به جنبه‌هایی نظیر رفع شرها و بلاهای حال و آینده (اصغری، ۱۳۸۸: ۳۰۱) و در امان ماندن آثار از شر جن و شیطان (عبداللهمیان، ۱۳۸۸: ۱۶) اشاره داشت.

۱. قرار گرفتن خط نوشته‌ها و یا به عبارتی کتیبه‌ها در تقسمات مشهور به بازوبندی از خصوصیات فلزکاری مکتب خراسان است (Fehrvari, 1976: p.66).

جعبه قرآن با شماره موزه: ۲۱۸۷۸ دارای کتیبه‌ای به خط نستعلیق است که دارای قسمتی از آیه ۱۳ سوره صف می‌باشد. قدمت آن به قرن ۱۳ هـ.ق. می‌رسد. طول آن ۱۰ و عرضش ۷ سانتی‌متر است (تصاویر: ۷). آیه ۱۳ سوره صف از آیاتی است که مضمون و محتوای آن خبر پیروزی و بشارت فتح را به مسلمین نوید می‌دهد و هنرمندان تلاش داشته‌اند، از آیه در جاهایی بهره ببرند که تناسب و هماهنگی با کاربرد اثر داشته و توانسته باشد این پیام را به مسلمین انتقال دهد؛ به‌خصوص، در میادین جنگ با کفار و دشمنان اسلام.



تصاویر ۷: قاب قرآن، شماره موزه ۲۱۸۷۸.

از جمله آثار مهم قاجاری دیگر، قاب آینه است که از این مورد چندین نمونه در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود که شماره موزه‌های: ۲۱۸۷۶ و ۲۳۷۲۷ از جمله آن‌ها هستند؛ اما از میان آن‌ها قاب آینه فولادی با شماره موزه: ۲۳۷۲۷ مزین به کتیبه‌های قرآنی است. طبق کتیبه، اثر محمدابراهیم است و دارای قاب فلزی می‌باشد. این اثر هنری، از سه قسمت: پایه (که توسط میله‌ای به بدنه قاب متصل شده)، قاب و آینه، و درب قاب تشکیل شده است. مواد تشکیل دهنده قاب از فولاد، و آینه از شیشه می‌باشد و از نظر تکنیک ساختاری از نوع قاب آینه‌های درب داری می‌باشد که درب آن با سه چفت فولادی ظریف به قاب متصل شده است (تصاویر: ۸). تکنیک ساخت نقوش تزیینی آن در دو دسته قابل بحث است؛ گروه اول: تکنیک طلاکوب است که حاوی نقوش هندسی (دایره و هشت ضلعی و ...)، اسلیمی، گیاهی و کتیبه به خط نستعلیق می‌باشد. این نقوش بیشتر در قسمت‌های پایه، میله، پشت و روی قاب و درب قاب آینه متمرکز شده‌اند. در قسمت پشت قاب دو بیت شعر از حافظ دیده می‌شود:

مصرع‌های بالا و پایین قاب:

نهر که چهره برافروخت دلبری داند نهر که آینه سازد سکندری داند

مصرع‌های چپ و راست قاب:

نهر که طرف کله کج نهاد و تند نشست کلاه داری و آیین سروری داند

بیت نوشته شده در مرکز قاب:

روشنی طلعت تو ماه ندارد پیش تو گل رونق گیاه ندارد

مصرع‌های نوشته شده بر روی پایه از سعدی می‌باشد:

غرض نقشی است کزما باز ماند که هستی را نمی بینم بقایی

مگر صاحب‌دلی روزی برحمت کند در حق درویشان دعایی



گروه دوم: تکنیک مشبک کاری است. این گروه در قسمت بیرونی درب قاب کار شده و نقش آن حاوی شمسه‌ای است که در درون آن نقوش اسلیمی و کتیبه دیده می‌شود. متن کتیبه عبارت است از:

«ناصرالدین شاه قاجار خلد الله ملکه السلطان بن السلطان بن الخاقان بن الخاقان عمل محمد ابراهیم سنه ۱۲۸۶».

در بالای این شمسه نقش تاج و در طرف راست تاج، کتیبه‌ی «نصر من الله و فتح» و در طرف چپ آن، «قرب و بشر المومنین» (آیه ۱۳ سوره الصف) و همچنین در پایین شمسه مشبک، کتیبه‌ی «اید الله تعالی» در سمت راست آن، و کتیبه‌ی «ایام دولته و اقباله» در سمت چپش طلا کوب شده است. آن چه در این قاب آینه جلب توجه می‌کند، نقاشی شمایل حضرت علی (ع) بر روی کاغذ می‌باشد که در قسمت داخلی درب قاب آینه و در زیر شیشه واقع شده است؛ این نقاشی، شمایل حضرت علی (ع) را با هاله‌ای از نور در اطراف سر، به تصویر کشانده و در طرفین این شمایل دو شمسه به‌طور قرینه دیده می‌شود که درون شمسه‌ها با کتیبه‌ی «لا فتی الا علی، لا سیف الا ذوالفقار» مزین شده است.

نتیجه‌گیری

نتیجه تحقیق بر اساس مستندات موزه ملی ایران نشان می‌دهد که آیات قرآنی (نسبت به دیگر کتیبه‌ها) بر آثار هنری کم‌تر آمده است، دلیل آن در مساله قداست آیات قرآن نهفته است، چرا آثار هنری به‌دلایل کاربرد فراوان، به‌طور دایم در زندگی روزمره مردم مورد استفاده واقع می‌شده است و در طرف مقابل هر گونه لمس آیات قرآن بدون وضو ممنوع بوده است؛ بنابراین نمی‌توان شاهد حجم وسیعی از داده‌ها با کتیبه‌نگاری قرآنی در گنجینه اسلامی موزه ملی ایران و یا هر گنجینه و موزه‌ای دیگر بود.

آثار فلزی مزین به کتیبه‌های قرآنی موزه ملی ایران شامل گونه‌هایی مختلفی با توجه به نوع کاربری هستند؛ از جمله: ابزار و ادوات جنگی (شمشیر)، ابزار نجومی (اسطرلاب)، جعبه قرآن، جام چهل کلید و قاب آینه. هنرمند سازنده هر کدام از این گونه آثار سعی نموده از آیاتی جهت کتیبه‌نگاری استفاده کند که بیشترین ارتباط را با کاربرد اثر داشته باشد. بدین

تصاویر ۸: آینه فولادی، ارتفاع ۴۸ سانتی‌متر، شماره موزه ۲۳۷۲۷.

ترتیب، برای ابزار نجومی آیاتی آمده است که خبر از عالم غیب و تفکر کردن در اجرام آسمانی و ... را می‌دهد؛ برای شمشیر و ابزار نظامی به آیاتی استناد گردیده است که مضامین منتج از آن‌ها در ارتباط با فتح و پیروزی و غلبه بر دشمنان است؛ جعبه قرآن به آیاتی مزین شده که مضمون حفاظت و رفع بلا و حوادث از آن استنتاج می‌شود و بر جام چهل کلید کتیبه‌های قرآنی با مضمون شفا بخشیدن به منصفه ظهور رسیده است.

ارتباط مضمون کتیبه‌های قرآنی با کاربری آثار هنری نشان از بینش عمیق هنرمندان ایرانی دارد که نسبت به کتاب قرآن اشراف کامل داشته‌اند و متناسب با کاربری اثر هنری، آیه‌های قرآنی متناسب با آن آورده‌اند و با این ذوق والای خود، روح هنر قرآنی را بر آثار هنری به منصفه ظهور رسانیده‌اند و هم‌چنین جلوه و جمال خاصی به آثار مخلوق خود بخشیده‌اند. بیشترین خطوطی که در کتیبه‌نگاری آثار هنری از آن بهره جسته شده است، خطوط: کوفی، نسخ، ثلث و نستعلیق هستند؛ اما رایج‌ترین خطی که در دوره‌های صفویه و قاجاریه بر روی فلزات رایج بوده، خط نستعلیق است. (شایان ذکر است که خط کوفی در دوره سلجوقی یا سده ۵ و ۶ هـ.ق. و خط نسخ و ثلث در دوره‌های ایلخانی و تیموری نسبت به سایر خطوط بیشتر رایج بوده است).

کتابنامه

- آلن، ج، ۱۳۷۴، «فلزکاری»، مجموعه مقالات هنرهای ایران، زیر نظر: ر. دبلیو فریه، ترجمه: پرویز مرزبان، تهران: نشر فرزبان.
- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر، ۱۳۶۲. «بررسی هنر فلزکاری در دوره ی سلجوقی». مجله کتاب ماه هنر، شماره ۳، بهار ۱۳۶۲، صص ۱۷۹ - ۱۶۴.
- آیت‌الهی، حبیب‌الله، ۱۳۸۳. «هنر اسلامی». مجله ی بیناب، شماره ۷، آبان ماه، صص ۲۳۱-۲۲۳.
- ابن‌فقیه، ابوبکر احمدبن محمدبن اسحاق همدانی، ۱۳۴۹. ترجمه: مختصر البلدان. ترجمه: ج. مسعود، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- احسانی، محمدتقی، ۱۳۶۸. هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اصغری، علی‌رضا، ۱۳۸۸. «تفسیر آیه‌الکرسی»، مجله آفاق نور، شماره ۱۰، پاییز و زمستان، صص ۳۲۲-۲۹۷.
- اکبری، فاطمه ۱۳۸۲. «هنر سفال‌گری و بررسی نقوش آن در ادوار اسلامی»، مجله مدرس هنر، شماره سوم، بهار، صص ۱۶-۱.
- افروغ، محمد، نوروزی‌طلب، علیرضا، ۱۳۸۹. «هویت اسلامی-ایرانی در فلزکاری عصر صفوی: با تاکید بر کتیبه‌های موجود بر روی آثار فلزی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال یازدهم، شماره ۴، صص ۷۳-۱۰۰.
- الهی‌قمشه‌ای، مهدی، ۱۳۶۳. ترجمه و تفسیر قرآن کریم. تهران: بنیاد نشر و ترویج قرآن.
- برند، بی، ۱۳۷۴، نسخه پردازی، هنرهای ایران، زیر نظر: ر. دبلیو فریه، ترجمه: پرویز مرزبان، تهران: نشر فرزبان.

- بلوم، جاناتان و بلر، شیلا، ۱۳۸۱، هنر و معماری اسلامی (۲). ترجمه: یعقوب آژند، تهران، سمت.
- بوی، ۱۳۶، تاریخ ایران کمبریج، جلد ۱، ترجمه: حسن انوشه، تهران، امیرکبیر.
- دایان آپوستولوس و کاپادونا، ۱۳۸۳، «هنر دینی: دین و هنر»، ترجمه: فرهاد ساسانی، مجله بیناب، شماره ۷، آبان ۸۳، صص ۹۹-۱۰۹.
- دیمانده، س. موریس، ۱۳۸۳، راهنمای صنایع اسلام، ترجمه: عبدالله فریار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- رایینسن، ب. و، ۱۳۷۶، تاریخ هنر ایران ۱۱: هنر نگارگری ایران، ترجمه: یعقوب آژند، چاپ اول، تهران، مولی.
- رنجبر، محمود و ستوده، هدایت‌اله، ۱۳۹۰، مردم‌شناسی. تهران: انتشارات ندای آریانا.
- سورن ملیکیان شیروانی، اسدالله، ۱۳۸۵، «پژوهشی در پیوستگی در فلزکاری دوره صفوی»، مجموعه مقالات اصفهان در مطالعات ایرانی، به کوشش: رناتا هولده، ترجمه: محمدتقی فرامرزی و سید داوود طباطبایی، تهران، فرهنگستان هنر.
- شریعت، زهرا، ۱۳۸۷، خط نگاره‌های قرآنی در قالی‌بافی و فلزکاری دوره‌ی صفویه، مجله کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۰، شهریور، صص ۴۴-۵۵.
- صفوت، نبیل، ۱۳۷۹، تحول و تنوع در خوشنویسی اسلامی: هنر قلم. ج. ۵، گردآوری: ناصر خلیلی، ترجمه: پیام بهتاش، تهران، نشر کارنگ.
- فراست، مریم، ۱۳۸۴، «بررسی مضامین خط نگاره‌های شمعدان‌ها و قندیل‌های دوران صفوی موزه ملی ایران»، دو فصلنامه هنر اسلامی، سال دوم، شماره سوم، پاییز و زمستان.
- فرای، ریچارد، ۱۳۵۸، عصر زرین فرهنگ ایران. ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش.
- عبداللهیان، محمد، ۱۳۸۸، «سید آیات»، مجله آفاق نور، شماره ۹، بهار و تابستان، صص ۱۵-۲۶.
- گرابر و اتینگهاوزن، ۱۳۷۸، هنر و معماری اسلامی ۱، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، سمت.
- ویلسون، ج. کریستی، ۱۳۶۶، تاریخ صنایع ایران. ترجمه‌ی: عبدالله فریار، تهران، انتشارات فرهنگسرا (یساولی).
- وولف، هانس ای، ۱۳۷۲، صنایع‌دستی کهن ایران، ترجمه: سیروس ابراهیم‌زاده، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- Fehrvari, Gaza. 1976, Islamic Metal work of 700-1300. London: Faber and Faber.

Naskh, and other writing styles have been seen on works of art, and their visual beauty with mystical and spiritual themes contains valuable messages for artists and visitors over times. The metal samples studied in this research, that is, documentation of the metallic treasures of the National Museum of Iran, are decorated with Quranic inscriptions. According to this grouping, such as the content and form: (1) aspects of protection from disasters, (2) relevance of divine objects, (3) signs associated with victory on military works, (4) protection as part of other works in verses 256-257 of Surah Baqara, 59 Al Nam, and (6) GH, Surah Fatehah, 3 and 4 Surah Tawheed, 13 Surah Saf have studied.

The research method is descriptive-analytical with a visit to the National Museum of Iran; the aim of research is matching, explanation, and interpretation of Quranic inscription themes in Safavid and Qajar Periods metalworking. The research question is what Quranic inscriptions do with metalworking in terms of content and themes? Our assumption suggests that the theme and content of the Quran is proportional with the function of metalworking. The inference is that the Quranic verses can be seen less than other inscriptions because of their sacredness and prohibition of touch of Quran without ablution. This subject has more evidence, especially in the case of works that have daily use. The metalworking are various in typologies as include Quran box, sword, and Cup of forty Keys (Chehel Kelid) which are decorated with Quranic inscriptions, if fit with their function. This expresses the artist's familiarity with Quran because they are able to show beauty works with love and humility.

Keywords: Inscription, Metal, Quran Verses, Islamic Art, Safavid Period, Qajar Period.

An Analytical Rresearch on the Flaunts of Quran Verses on Iranian Metallurgy During Safavid and Qajar era “According to the Metal Works of National Museum of Iran”

Majid Sarikhani

Assistant Prof, Dept. of Archaeology, Shahr-e Kurd University
sarikhanimajid@yahoo.com

Received: 2013/09/21 - Accepted: 2014/01/10

Abstract

Ever since man discovered metal, he got familiar with its properties and its importance in making glass objects like tools and implementing them in war, bowl, ewer, coins, and other items. Metalworking art contains antiquity history in Iranian art and the diffusion of metal has allocated clear periods in the Iranian art and archaeology such as Bronze and Iron Ages. Unique treasures of metalworking works have obtained during archaeological excavations and finally decorated the Museum of Iran and the World; the most important collection of metal objects have found from Marlik, as well as a series of Luristan bronze and many other series. Moreover, metal have emerged considerably over history for example Media, Achaemenid, Parthian, and Sassanid), but Sassanid metalwork has an important role shaping the Islamic Art, especially metalwork. Khorasan Metalwork School (1-7 centuries AD) techniques and concepts of structural motives which have been indebted.

Islamic art in the form and contents of various motives of a variety of plants, animals, humans, geometric, graphic scrolls can be seen in Iranian metal-working art; one of which is a written inscription (pre-Islamic) containing themes such verses, poems, names/dates of the manufacturing, and praying. This study is focused on the inscriptions of Quranic verses written on the metalwork during Safavid and Qajar Periods. Regarding to this, these periods are in a great position compare to the other periods, especially religiously studying its influence on decorative motif art. Metalworkers in these two periods of two important principles of Shi'ism and nationalism were inspired to create works of art, and these principles are seen in artwork. Islamic art can be seen in various formats and contents in Iranian metal-working. Quranic inscriptions on various lines such as Kufic, Thoth,

PAZHOSHESH-HA-YE BASTANSHENASI IRAN
Archaeological Researches of Iran
Journal of Department of Archaeology, Faculty of Art and
Architecture Bu-Ali Sina University
Vol. 3 No.5, Autumn-Winter 2014



License Holder (Publisher): **Bu-Ali Sina University**
Manage Director & Editor-in-Chief: **Mohammad Ebrahim Zarei Ph.D.**

Editorial Board:

Jalaledin Rafifar Ph.D

Professor in Faculty of Social Sciences University of Tehran

Bahman Firouzmandi Shirejini Ph.D.

Associate Professor, Department of Archaeology in University of Tehran

Yaghub Mohammadifar Ph.D.

Associate Professor, Department of Archaeology in Bu-Ali Sina University

Abbas Motarjem Ph.D.

Assistant Professor, Department of Archaeology in Bu-Ali Sina University

Mehdi Mortazavi Ph.D.

Associate Professor, Department of Archaeology in Sistan & Baluchestan University

Kazem Mollazadeh Ph.D.

Associate Professor, Department of Archaeology in Bu-Ali Sina University

Hekmatollah Mollasalehi Ph.D.

Associate Professor, Department of Archaeology in University of Tehran

Seyed Rasoul Mousavi Haji Ph.D.

Associate Professor, Department of Archaeology in Mazandaran University

Reza Mehr Afarin Ph.D.

Associate Professor, Department of Archaeology in Mazandaran University

Kamal-Aldin Niknami Ph.D.

Professor, Department of Archaeology in University of Tehran

Ali Reza Hozhabri Nobari Ph.D.

Professor, Department of Archaeology in Tarbiat Modares University

English Editor: **Ardashir Javanmardzadeh**

Executive Director: **Safaneh Sadeghian**

Cover Design: **Gholam Reza Shamlou**

Logo Type: **Professor Ahmad Teymouri**

Layout: **Khalilollah Beik Mohammadi**

Address: **Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina**
University, Ghoobar-e Hamedani blv, Hamedan, Iran

E-Mail: **NBJ@basu.ac.ir & Journal.nbsh@yahoo.com**

Tel: **0811 - 8291129**, Fax: **0811 - 8290941**

Price: **9000 Toman**

(All right reserved for the Bu-Ali Sina University)



ISSN: 2345-5225

Online ISSN: 2345-5500



Main Characteristics of Acceptable Articles:

- The aim of the "PAZHOHESH-HA-YE BASTANSHENASI IRAN" Archaeological Researches of Iran journal is to publish the "researches and scientific experience in archaeology and history of art and architecture".
 - The article must be the result of author(s) research and has not been published in other journals.
 - The acceptance of article for publish is depending on scientific judgment and editorial board approval.
 - The responsibility of the scripts is remains with the author (s).
 - The article must be provided in A4 (21×30 cm), B Mitra (13) font, with 2003/ 2007 office word format, as well as the peripheries must be adjusted.
 - The opportunity of submission is provided by e-mail (Journal.NBSh@Yahoo.Com & NBJ@basu.ac.ir).
 - The first page must contains the correspond authors' name and complete postal address and phone number, e-mail, institute and his/ her position.
 - The permission and name of advisor professor is needed, if the article is the result of thesis.
 - The articles must be arranged as: title, abstract, introduction, research methodology, and literature review, theoretical bases, body, conclusion, acknowledgments, reference cited and English abstract.
 - The Persian abstract must mentions to the whole body of the article and not to be more than 300 words.
 - The English abstract must mentions to the main parts and the conclusion of the article and not to be more than 600 words.
 - The charts' names must be mentioned with number on top and the figures, maps, plates and graphs with number below. The resources and references must be mentioned.
 - The figures, maps, plates and graphs must be within the text and an apart version of them in jpg with 300 dpi resolutions, also needed separately.
 - The article must not be more than 20 pages in given format.
- Only Persian articles can be submitted to be published.
- The "title" includes the topic, first and last name of author(s), position and the institute; the title must declare the content.
 - The abstract is short explanation, but clarifying the whole article content: the problem, research aim, essence, main points and conclusion.
 - The keywords must include 4-6 words showing their quantity and importance in the article.
 - The introduction includes designing the main problem, which is the main goal of the author to write the article; in the introduction, the literature review, hypothesis and the questions must be noted.
 - Research methodology includes a brief note of the procedure of doing the research discussion, conclusion and acknowledgments includes the article body and concluding remarks using reasonable and clarifying method; it can be illustrated by chart, figure, graph and etc.
 - Acknowledgments will be written at the end of the article; the author(s) will remind the useful comments and briefly thanks the corresponding people.

Referring Method:

- The mentioned references in the article body must be documented among the most acceptable references.
- The forgotten or attributed references, the mentioning references must be addressed.
- To refer inside the article: last name, publication date: page(s) number; I.E.: Negahban, 1378: 112-5).
- About the oral references (interview with scholars) must be referred as mentioned in below and must be addressed in acknowledgments (Hoseyni, the Interviewee, 12/1/1390).

The Final Referring:

Persian:

Refer to a Book:

- Last name, name, (name and last name of co-authors); date of publish, "Title", translated by..., volume(s), publication place, publisher.
- Refer to encyclopedias, seasonal journals, journals and etc.:
- Last name, name, (name and last name of co-authors); date of publish, "Title", encyclopedia/ journal name, volume(s), publication place, publisher, page(s) number.

Latin:

- In the Latin references the first letter must be caps lock and between spaces must be a virgule.

Refer to A Book:

- Ward-Perkins, J.B 19 Roman Imperial Architecture London, Penguin Books.

Journals:

- Trinkaus, E. 1982. Artificial Cranial Deformation in the Shanidar1 and 5 Neanderthals, Current Anthropology 23(2): 198-199.

Refer to Complex Articles (Edited):

- Liverani, M 2003, "The Rise and fall of Media" Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia, (Lanfranchi, G.B And Others) Eds. Padova, 1-12.

Dissertations:

- Bloom, D.E. 1999. Tiwanaku Regional Interaction and Social Identity, a Bio archaeological Approach, PhD Thesis, Department of Anthropology, University Of Chicago.

Some Notes on Referring:

- The bibliographic resources must be arranged alphabetically either based on author's names or resources; these are the referred resources inside the article.
- In case of two or more reference of same author, they must arrange from early too late.
- In case of two or more reference of same author with same date, it must arrange as: (Majidzadeh, 1387 A: 15) and (Majidzadeh, 1387 B: 35).
- If the author is unclear, the title will be replaced.
- The title of books and articles must be fully described.
- The non-Persian references must come after Persian, as: Arabic, English, French and etc.
- Any explanation other than references must come as endnote.
- Scientific- research articles the publishing request of the Author (s) should be sent to the journals' secretary to this address: faculty of art and architecture, Gobar-E Hamedani Blvd., Journals' Office, Palestine Sq. Hamadan, Iran or the E-mail of the Journal: Journal.nbsh@yahoo.com / NBJ@basu.ac.ir



BU-ALI SINA UNIVERSITY

5

PAZHOHESH-HA-YE BASTANSHENASI IRAN

ISSN: 2345-5225

Online ISSN: 2345-5500

Archaeological Researches of Iran

Vol. 9 - No. 5 Autumn-Winter 2016

Journal of Department of Archaeology, Faculty of Art and Architecture Bu-Ali Sina University

The Chipped Stone Industry of East Chia Sabz, Seymareh Dam: Technological Changes from Transitional Neolithic to Aceramic Neolithic Time in Western Iran	7-24
Hojjat Darabi	7-24
The Qezel Owzan River Basin During the Chalcolithic Period Based on Archaeological Surveys of Bijar County	25-50
Amir Saed Mucheshi	25-50
An Investigation of the Cultural Changes of Kangavar Plain from the Chalcolithic to the Late Bronze Age According to the Settlement Models	51-62
Abbas Motarjem & Tayebe Almasi	51-62
Petrographic Study of the Iron Age Pottery of Huto Cave	63-78
Amir Sadeq Naqshineh, Elnaz Hatami & Houman Nikravan Matin	63-78
The Parthian Settlements and Sites in the Qeshm Island	79-100
Alireza Khosrowzadeh	79-100
Archaeological Survey of the Nishabur Cultural Zone from the Early Islamic Metallurgy Mining Viewpoint	101-120
Solmaz Haji Alilou & Hayedeh Laleh	101-120
Introducing and Typology of Islamic Potteries from Baluchistan Region, Mokran South	121-140
Seyyed Rasoul Mousavi Hajji, Rouhollah Shirazi, Saman Farzin & Maryam Zour	121-140
Gunbad-e Qabus: Study of Structure, Technical Features and Historical Backgrounds of Construction	141-154
Maryam Mohammady, Kazem Molazadeh & Sina Faramarzi	141-154
An Analytical Rresearch on the Flaunts of Quran Verses on Iranian Metallurgy During Safavid and Qajar era "According to the Metal Works of National Museum of Iran"	155-168
Majid Sarikhani	155-168
Investigating the Role of Geomatics Engineering in the Applications of Cultural Heritage, Archeology and Architecture	169-195
Saeed Ali Tajer & Somayyeh Afshari Azad	169-195